



انواع خانواده

نرگس نفر



کلیدواژه‌ها: خانواده هسته‌ای، خانواده گسترده، خانواده سه نسلی، خانواده دارای فرزند ولی گونه

و از مزایایی برخوردارند و هم ضعف‌ها و کاستی‌ها و محدودیت‌هایی دارند. نکته شایان توجه، قابلیت‌ها و ظرفیت درونی خانواده است. اگر قابلیت‌های خانواده نادیده انگاشته شوند، محدودیت‌ها و ضعف‌ها زمینه اضمحلال و فروپاشی خانواده را فراهم می‌کنند.

در بررسی ساختار و تشخیص وضعیت خانواده شاید بتوانیم دو موضوع را مدنظر قرار دهیم: ۱. باتوجه به انواع مدل‌های خانواده، وضعیت ساختار فعلی خانواده را بررسی، و محدودیت‌ها و قابلیت‌های آن را شناسایی کنیم. ۲. روند رشد و تکامل و چرخه آن و همین‌طور سیر تاریخی درونی خانواده را مورد بررسی قرار دهیم و از طریق توصیف شرایط موجود، به کنترل و پیش‌بینی و پیشگیری، درمان و رشد آن بپردازیم.

معمولاً خانواده گسترده در مقابل خانواده هسته‌ای مطرح می‌شود. **خانواده گسترده:** بهترین تعریف از خانواده گسترده سنتی بودن آن است. این نوع خانواده سنتی‌ترین شکل خانواده است و بیشتر در مناطق روستایی، مناطق سنتی شهرها و اقشار متوسط و پایین جامعه دیده می‌شوند. معمولاً خانواده‌های گسترده نسبت به سایرین سطح فرهنگ پایین‌تری دارند و معمولاً با مشکلات اقتصادی و تنگ‌دستی مواجه‌اند. اعضای چنین خانواده‌هایی به دلیل گستردگی تقسیم مسئولیت‌ها و تفویض نقش‌ها با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند. به‌دلیل پیچیدگی واحد خانواده گسترده، امکان دارد بعضی مرزهای خانوادگی گنگ و مبهم و نامشخص یا مخدوش و به‌هم ریخته باشند که همین امر موجب به‌هم‌ریختگی، سردرگمی و استرس در خانواده می‌شود. وظایف می‌تواند به‌صورت اشتراکی (شراکتی) انجام شود. اغلب اعضای این خانواده‌ها دچار آشفتگی نقش می‌شوند و تکلیفشان با خود و خانواده مشخص نیست.

در شماره پیشین، خانواده را از جهت نقش‌هایی که اعضای آن در قبایل یکدیگر دارند، یعنی مکمل و قریب‌بودن، میزان هم‌بستگی و انعطاف‌پذیری اعضا نسبت به هم و همین‌طور از حیث دوری و نزدیکی یعنی مرکزگرا و نامرکزگرا بودن اعضا، بررسی کردیم. در این نوشتار قصد داریم تقسیم‌بندی‌های دیگر خانواده را از جهت هسته‌ای و گسترده بودن، خانواده‌های سه نسلی، خانواده‌های دارای فرزند ولی گونه و... بررسی کنیم. خانواده‌های خاص و رایج‌ترین گونه‌های خانواده را مورد توجه قرار دهیم. گرچه تقسیم‌بندی‌های قبلی (مرکزگرا/نامرکزگرا، مکمل/قرینه، هم‌بسته/انعطاف‌پذیر) را در همه انواع ساختارهای خانوادگی می‌توانیم در نظر بگیریم. تشخیص مدل و ترکیب خانواده به روشن‌تر شدن تحلیل ساختی خانواده کمک می‌کند. هیچ‌یک از انواع خانواده به خودی خود به‌هنگار یا نابه‌هنگار، سالم یا ناسالم، کارآمد یا ناکارآمد نیستند. مسئله مهم، چگونگی عملکرد آن‌هاست. اینکه شبکه ارتباطات درونی و بیرونی آن‌ها چگونه است، آیا اعضا از ارتقا، بهزیستی و سلامت روان برخوردارند، آیا باتوجه به شرایط سنی و موقعیتی خویش عملکرد سالم و موفق دارند، آیا اعضای خانواده چرخه‌های حیات مشترک خود را به سلامتی پشت‌سر گذاشتند، آیا قواعد و قوانین و راهبردهای موجود در خانواده پاسخ‌گوی نیازهای اعضای خانواده هست و... وجه تمایز هر خانواده از خانواده‌های دیگر، خاص خود آن است و به ترکیب خانواده، مرحله تکامل آن و خرده فرهنگی که خانواده به آن تعلق دارد، برمی‌گردد. در واقع، هر یک از مدل‌های خانواده هم کارایی و کارآمدی دارند

هیچ یک از انواع خانواده به خودی خود به‌هنگار یا نابه‌هنگار، سالم یا ناسالم، کارآمد یا ناکارآمد نیستند. مسئله مهم، چگونگی عملکرد آن‌هاست

هر یک از مدل‌های خانواده هم کارآیی و کارآمدی دارند و از مزایایی برخوردارند و هم ضعف‌ها و کاستی‌ها و محدودیت‌هایی دارند. نکته شایان توجه، قابلیت‌ها و ظرفیت درونی خانواده است

خانواده هسته‌ای: معمول‌ترین شکل خانواده در شرایط کنونی است و از زن و مرد (زن و شوهر یا والدین) و فرزندان تشکیل می‌شود. خانواده هسته‌ای اعضای محدودی دارد و به سمت کوچک‌تر شدن پیش می‌رود. در شکل سنتی خانواده هسته‌ای مرد شاغل است و وظایف بیرونی را برعهده دارد و زن خانه‌دار و عهده‌دار وظایف داخل خانواده و تربیت و مراقبت بچه‌هاست. در شکل امروزی‌تر آن، زن و مرد هر دو شاغل‌اند و هر دو برای پیشبرد خانواده تلاش می‌کنند. در نوع سالم‌تر خانواده هسته‌ای زن و مرد مسئولیت‌های درونی و بیرونی خانواده را برعهده می‌گیرند (نقش‌های قرینه دارند) و بچه‌ها نیز مسئولیت‌هایی را برعهده دارند. در صورتی که زن و مرد هر دو شاغل باشند و در عین حال به‌صورت سنتی هنوز همه مسائل مربوط به تربیت فرزندان و مراقبت از فرزندان آن‌ها و رتق و فتق امور خانواده برعهده زن باشد، فشار زیادی بر او وارد می‌آید. این بدان معناست که بخشی از خانواده به‌صورت مدرن و امروزی و براساس نیازهای امروز عمل می‌کند (یعنی شاغل بودن هر دو) و بخش دیگر هنوز سنتی باقی مانده (نقش‌های مکمل دارند) است و همین امر، فشار و تعارض ایجاد می‌کند.

خانواده سه نسلی: خانواده‌های گسترده‌ای هستند که در آن‌ها افراد نسل‌های مختلف در کنار هم زندگی می‌کنند. این نوع خانواده بیشتر در میان گروه‌های متوسط اجتماعی و گروه‌هایی که به لحاظ اقتصادی-اجتماعی پایین هستند، دیده می‌شوند.

خانواده‌های سه نسلی ترکیب‌ها و آرایش‌های مختلفی دارند؛ ترکیب حداقل یک والد، پدربزرگ یا مادربزرگ یا هر دو و نوه خانواده هسته‌ای (پدر و مادر و فرزندان) و پدربزرگ و مادربزرگ شبکه گسترده خویشاوندان درجه ۱ شامل، عمه، عمو، خاله، دایی اینکه خانواده واقعی (هسته‌ای) در این میان کدام است و چند عضو دارد و در چه سطح ارتباطی با شبکه گسترده خانواده قرار دارد، و تأثیر خانواده گسترده بر عملکرد خانواده هسته‌ای چگونه است، بسیار اهمیت دارد. این تأثیر هرگز نباید ناچیز تلقی شود.

نظام سلسله مراتب در این خانواده‌ها چگونه است؟ توزیع قدرت چگونه صورت می‌گیرد؟ زیر منظومه‌های خانوادگی و مرزهای بین آن‌ها چگونه است؟ مشاور باید به ائتلاف‌های بین نسلی که یکی از اعضا را سپر بلا می‌سازد و باعث ناکارآمدی زیرمنظومه‌های خاص خانواده می‌شود، توجه کند (مثل زیر منظومه والدینی). آیا قوانین و قواعد و راهبردها مشخص و روشن هستند؟ وظایف مربوط به تربیت و مراقبت از بچه‌ها تعریف شده است؟ آیا لازم است متمایزسازی و مرزسازی صورت پذیرد؟ آیا بین نسل‌ها شکاف وجود دارد؟ آیا پدر و مادر نقش اصلی را برعهده دارند یا در حاشیه هستند؟

یکی از مشکلات عمده این خانواده‌ها ساختار نابه‌هنگار و ناسالم آن‌هاست. پس لازم است مجدداً سازماندهی شوند و ساختار صحیح و سالمی پیدا کنند. این موجب خواهد شد که والدین وظایف و مسئولیت‌های خود را در قبال فرزندان انجام بدهند و پدربزرگ و مادربزرگ نقش حاشیه‌ای پیدا کنند.

مرزها مشخص شوند و هر کس نقش و موقعیت خود را مجدداً پیدا کند. موقعیت بزرگسالان در این خانواده‌ها چگونه است؟ آیا از قدرت برابر برخوردارند و یکی از آن‌ها والد اصلی است و نقش آفرینی می‌کند؟ آیا با هم همکاری می‌کنند یا رقابت دارند؟ در صورت همکاری، آیا حدود همکاری‌ها روشن و واضح است و حداقل قواعد و راهبردهای تلویحی شکل گرفته است یا هر کس باری به هر جهت می‌گذراند؟

خانواده‌های دارای فرزند ولی‌گونه

فرزند ولی‌گونه یعنی فردی که بخشی از قدرت، وظایف و مسئولیت‌های والدین به او تفویض می‌شود. در برخی از خانواده‌ها به لحاظ شرایط خاصی که وجود دارد، برای اینکه امور خانواده بگذرد و سیستم بتواند از عهده مسائل برآید، لازم است قدرت و مسئولیت‌ها به افراد دیگری به‌جز والدین واگذار شود. در خانواده‌های گسترده سه نسلی به لحاظ گستردگی‌ای که دارند و در خانواده‌هایی که والدین شاغل هستند یا خانواده‌های تک‌والدینی و یا خانواده‌ای که یکی از دو والد دور از خانواده زندگی می‌کند، یک یا چند نفر از فرزندان بزرگ‌تر مسئولیت مراقبت از فرزندان کوچک‌تر از خود و تربیت آن‌ها را برعهده می‌گیرند یا در غیاب والدین وظایف آن‌ها را انجام می‌دهند. این فرزندان در سلسله مراتب قدرت جای می‌گیرند و بخشی از قدرت و مسئولیت والدین به آن‌ها تفویض می‌شود.

ساخت این خانواده‌ها می‌تواند سالم و به‌هنگار باشد و مشکلی نداشته باشند. اما در صورتی که برخی از مسائل و شرایط لحاظ شوند، خانواده و فرزند ولی‌گونه مشکل پیدا می‌کنند.

محدودیت‌ها

- سطح انتظارات از فرزندان ولی‌گونه بیشتر و بالاتر از توان او باشد.
- مسئولیت‌هایی که از فرزند ولی‌گونه توقع دارند، با نیازهای سنتی و رشدی وی تداخل کند.
- اختیارات، قدرت، مسئولیت‌ها و وظایف فرزند ولی‌گونه واضح و روشن نباشد.
- حدود مرزهای والدین (زیر منظومه والدین) و فرزند ولی‌گونه کاملاً مشخص نباشند یا والدین کنار بکشند و در انجام وظایف خویش از خود سلب مسئولیت کنند.
- وقتی که موقعیت خاص فرزند ولی‌گونه او را از عضویت در زیرمنظومه خواهران و برادران باز دارد.

مزیت‌ها

- مهارت‌های اجرایی فرزند ولی‌گونه افزایش پیدا می‌کند و مسئولیت‌های اجتماعی والدین به وی باعث رشد و کمال او می‌شود.
- بار روانی و همین‌طور بار اجرایی وظایف والدین کمتر می‌شود؛ در نتیجه، نشاط والدین و خانواده افزایش می‌یابد.